فهرست مطالب

اشاره به مباحث قبل: 3

معنای پنجم قدرت 3

سؤال: 3

پاسخ استاد: 3

رفق و مدارا در اخلاق 3

روایات رفق و مدارا 4

طایفه اول: روایات اخلاقی رفق 4

رفق در قرآن 5

رفق در روایات بحار 5

روایت اول: 6

روایت دوم 6

سؤال 6

پاسخ استاد: 6

روایت سوم 6

روایت چهارم 7

سؤال: 7

پاسخ استاد: 7

روایت پنجم: 7

روایت ششم: 8

روایت هفتم 8

روایت هشتم 8

روایت نهم 9

جمع بندی 9

1ـ حرمت خُرق و استحباب رفق 9

سؤال: 9

پاسخ استاد: 9

2ـ درجات مدارا 9

3ـ سند روایات 10

4ـ موارد استثنی 10

5ـ اصل اخلاقی یا اصل تربیتی 10

مدارا به عنوان اصل تربیتی 10

آیات تربیتی رفق 11

روایات تربیتی رفق 11

روایت اول 11

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی **(رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

در مورد قدرت، استطاعت و توان متربی عرض کردیم که پنج معنی وجود دارد. در معنای پنجم، طیفی وجود دارد که قابل تفکیک و تجزیه است. معنای اول و دوم مهم نیست زیرا جنبه فلسفی دارد. مهم معنای سوم و چهارم است که باید بررسی شود. در معنای لاحرج و لا ضرر هم مطالبی عرض شد.

**معنای پنجم قدرت**

دلیل معنای پنجم که دارای طیف است، اخبار مربوط به مدارا با مردم به این معنی مربوط می‌شود. در تربیت، رفق و مدارا به عنوان اصل مطرح شده است. قصه رفق و مدارا چیست؟ ادله آن گروه است؟

**سؤال:**

آیا از ادله رفق و مدارا، الزام هم فهمیده می‌شود؟ همین اول کار، اشاره‌ای به آخر بحث بفرمایید.

**پاسخ استاد:**

هنوز اول کار هستیم، نباید پیش‌داوری کرد اما اشاره کنم که ادله رفق و مدارا سطوح الزامی نیز دارد.

**رفق و مدارا در اخلاق**

در مباحث اخلاقی، مباحثی داریم با عنوان رفق و مدارا و نرمی با مردم. این بحث جزء اخلاق اجتماعی است. این بحث در روابط اجتماعی و فقه الاخلاق و فقه ارتباطات اجتماعی و فقه میان فردی می‌گنجد. انسان‌ها در ارتباطات خود با دیگران احوال مختلف دارند و باید نکاتی را رعایت نمایند:

1ـ نرمی و لِین جانب

2ـ خشونت، عنف و خُرق.

این دو تا به عنوان فضیلت و رذیلت در مباحث اخلاقی مطرح شده است. این مبحث در اخلاق دارای سابقه است. این دو به شکل ذیل مفهوم عام‌تر قرار می‌گیرد که عبارت باشد از «حسن خلق» و «سوء خلق» و به شکلی با «تواضع» هم ارتباط دارد.

روایاتی در باب مدارا داریم و احیاناً در مذمت خَرق یا خُرق و خشونت. مراد از مدارا، نرمی در تعاملات اجتماعی است.

**روایات رفق و مدارا**

روایات مدارا را می‌شود به سه گروه تقسیم کرد:

**طایفه اول: روایات اخلاقی رفق**

روایاتی در این مسأله به عنوان اخلاقی عام توجه کرده است. کار به تعلیم و تربیت و اثرگذاری به غیر ندارد. روایات اخلاقی در نقطه مقابل تعلیم و تربیت. این دسته روایات فراوان است. ترغیب کرده به مدارا و مذمت کرده از خشونت. این روایات عمدتاً در همان آدرس‌هایی است که آخر جلسه قبل اشاره کردیم. رفق و لِین به عنوان صفت اخلاقی به شمار آمده است.

در نقطه ایجابی کتاب بحارالانوار جلد 75 کتاب العشره باب 42 و در وسایل الشیعه کتاب العشره هم آمده است. ظاهراً در همه مجموعه‌های حدیثی اعم از کتب اربعه و سایر موسوعه‌های روایی و شاید مجموعه‌های روایی عامه تحت عنوان رفق، لین و مدارا و عناوین مشابه وارد شده است. عناوین عام مانند حسن خلق هم داریم. در این روایات از خشونت و تندی و سختی نهی شده است. یک جلوه «**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذينَ مَعَهُ اشداء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُم**»‏[[1]](#footnote-1) مؤمنان که نسبت به همدیگر تواضع می‌کنند، یک جلوه‌اش هم این است. این معنی در مجموعه‌های روایی ذیل کتاب العشره آمده است. در وسایل، مستدرک الوسائل و وافی هم آمده است. در میزان الحکمه، معارف الکتاب و السنه و همچنین در غرر الحکم هم آمده است. روایات این طایفه کم نیست.

از ویژگی‌های مهم بحارالانوار این است که ابتدای هر باب، آیات مرتبط با بحث را می‌آورد. بسیار کار دقیق کرده است. بحار بهترین جایی است که آیات را قبل از روایات آورده است. البته جامع و مانع نیست ولی درعین‌حال گویا و دارای ارزش بالایی است.

**رفق در قرآن**

در بحار باب‏ 42 عنوان «الرفق‏ و اللين و كف الأذى و المعاونة على البر و التقوى‏» که 35 روایت ذیل آن نقل شده است. آيات متعدد در بحار[[2]](#footnote-2) نقل شده است:

«**فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ**»‏[[3]](#footnote-3)

«**الحجر وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ**‏»[[4]](#footnote-4)

«**وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً**»[[5]](#footnote-5)

«**وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**»‏[[6]](#footnote-6)

**رفق در روایات بحار**

ما نمی‌خواهیم تک‌تک روایات را بررسی سندی بکنیم زیرا استفاضه دارد و بعضی هم دارای سند صحیح است.

**روایت اول:**

روایات دوم باب: كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبْصِرَةِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ‏ ص «**الرِّفْقُ يُمْنٌ وَ الْخُرْقُ شُؤْمٌ**».

**روایت دوم**

حدیث سوم باب:

وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):‏ «**الرِّفْقُ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْ‏ءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْ‏ءٍ إِلَّا شَانَهُ**».[[7]](#footnote-7)

**سؤال**

آیا مراد از «زانه» زینت است یا وزانت؟

**پاسخ استاد:**

مراد از «**إِلَّا زَانَهُ**» زین و آراستگی است. «**وَ لَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْ‏ءٍ إِلَّا شَانَهُ**»، اگر رفق نباشد، شَین است.

**روایت سوم**

روایت دیگری داریم (روایت چهارم باب) که معتبره است. بنا برخی نقل‌ها فقط ابن مسکان اختلافی است.

الأمالي للصدوق ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ «**أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَداً قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْهَيِّنُ الْقَرِيبُ اللَّيِّنُ السَّهْلُ**»

آدمی که راحت است و جانب نرم دارد در تعامل با دیگران، در قیامت راحت است، این فرد «**تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَداً**».

**روایت چهارم**

روایت پنجم باب این است:

الأمالي للصدوق قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ «**أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاس**»‏.

در مورد تعبیر «ناس» دو احتمال وجود دارد:

1ـ مراد مطلق ناس و مردم است، عام است و شامل همه مردم به خصوص غیر مسلمانان می‌شود.

2ـ مراد از ناس، «عامه» و اهل سنت (غیر شیعه) است.

**سؤال:**

آیا در این روایت که منقول از پیامبر اکرم (ص) است، می‌توان معنای دوم را برگزید؟

**پاسخ استاد:**

خیر، در این روایت معنای دوم راه ندارد. این روایات باید در فقه الاخلاق بررسی شود.

**روایت پنجم:**

روایت هشتم باب که سندش معتبر است، این است که:

الخصال أَبِي عَنِ الْكُمُنْدَانِيِّ وَ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «**شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاس**»‏.

کفّ الاذی عن الناس شامل مدارا هم می‌شود.

**روایت ششم:**

روایت نهم باب این است که:

الخصال أَبِي عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ سَهْلٍ عَنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ «**إِنَّ قَوْماً مِنْ قُرَيْشٍ قَلَّتْ مُدَارَاتُهُمْ لِلنَّاسِ فَنُفُوا مِنْ قُرَيْشٍ وَ ايْمُ اللَّهِ مَا كَانَ بِأَحْسَابِهِمْ بَأْسٌ وَ إِنَّ قَوْماً مِنْ غَيْرِهِمْ حَسُنَتْ مُدَارَاتُهُمْ فَأُلْحِقُوا بِالْبَيْتِ الرَّفِيعِ قَالَ ثُمَّ قَالَ** **مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكُفُّ عَنْهُمْ يَداً وَاحِدَةً وَ يَكُفُّونَ عَنْهُ أَيَادِيَ كَثِيرَةً**».

این روایت یک روایت معرفتی و نظام‌واره است لذا از توحید شروع کرده و سلسله‌مراتب به مباحث اخلاقی رسیده است.

**روایت هفتم**

معاني الأخبار عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ «**أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاس‏».** این متن، چند نقل دارد.

**روایت هشتم**

18- ين، كتاب حسين بن سعيد و النوادر بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمِيرٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص «**الرِّفْقُ يُمْنٌ وَ الْخُرْقُ شُؤْمٌ**». این روایت هم چند نقل دارد.

**روایت نهم**

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع ...

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ «**مَا مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَى رَسُولِهِ مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ الرِّفْقِ بِعِبَادِهِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِشْرَاكِ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ الْعُنْفِ عَلَى عِبَادِه**‏».

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص «**مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَعْظَمُهُمَا أَجْراً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحَبُّهُمَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِه**‏»

**جمع بندی**

در مجموع شاید یک‌صد روایت از طریق شیعه و اهل سنت در این موضوع وارد شده باشد.

این گروه اول از روایات که به حوزه اخلاق و فقه الاخلاق نظر دارد. رفق در ارتباطات مورد تأکید و ترغیب قرار گرفته است. این دسته اول از روایات مورد بحث ما نیست لذا بسط نمی‌دهیم. فقط به چند نکته اشاره می‌کنم.

**1ـ حرمت خُرق و استحباب رفق**

خرق حرام است اما رفق و مدارا یک امر مستحبی است، بین این دو واسطه است.

**سؤال:**

خرق به عنوان خودش حرام است یا به عنوان اذیت؟

**پاسخ استاد:**

حرمت خرق به عنوان خودش وارد شده است. شاید خرق درجه‌ای باشد که ایذاء در آن باشد اما دلیل بر وجوب رفق نداریم بلکه یک امر مستحب و مستحسن است.

**2ـ درجات مدارا**

رفق مثل همه امور اخلاقی، از لحاظ طرف، دارای درجات است:

1. رفق با کفار و غیر مسلمانان،
2. رفق با مسلمانان (غیر شیعه)،
3. رفق با شیعیان
4. رفق و مدارا با مؤمنان خاص مانند پدر و مادر، عالم و ...

در مورد مؤمنان و برخی گروه‌های خاص ادله خاص هم داریم.

**3ـ سند روایات**

نکته بعدی این است که از نظر سندی، طوایفی از روایات وجود دارد. برخی صحیح و برخی ضعیف است.

**4ـ موارد استثناء**

در برخی مواقع و متناسب با شرایط ممکن است فرد مکلف به تندی باشد، خُرق واجب باشد از باب «**اشداء علی الکفار**». موارد استثناء باید از حیث فقهی بررسی شود. چون این بحث، بحث اصلی ما نیست، از آن رد می‌شویم.

**5ـ اصل اخلاقی یا اصل تربیتی**

سؤال جدی این است که آیا این‌ها از حیث اصل اخلاقی وارد شده است؟ و یا اینکه روایات به اصل تربیتی و تأثیرگذاری به غیر هم نظر دارد؟ بعداً به این نکته خواهیم پرداخت.

**مدارا به عنوان اصل تربیتی**

طایفه دوم روایات که روایاتی است که به عنوان اصل تربیتی بیان می‌کنیم. رفق در وعظ، رفق در امر به معروف و نهی از منکر و ...

**آیات تربیتی رفق**

آیه شریفه‌ «**فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ**‏»[[8]](#footnote-8) نگاه خاص به اصل تربیتی دارد.

در آیه‌ «**حَرِيصٌ‏ عَلَيْكُمْ‏ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيم**‏»، مراد از رأفت، رأفت تربیتی است. پس رفق و مدارا گاهی به عنوان اصل اخلاقی و گاهی به عنوان اصل تربیتی وارد شده است.

**روایات تربیتی رفق**

در وسایل الشیعه[[9]](#footnote-9) در «كتاب الأَمر بالمعروف و النهي عن المنكر و ما يلق به‏» در «أَبْوَابُ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ مَا يُنَاسِبُهُمَا» بابی وارد شده تحت عنوان:

بَابُ اسْتِحْبَابِ الرِّفْقِ‏ بِالْمُؤْمِنِينَ‏ فِي أَمْرِهِمْ بِالْمَنْدُوبَاتِ وَ الِاقْتِصَارِ عَلَى مَا لَا يَثْقُلُ عَلَى الْمَأْمُورِ وَ يُزَهِّدُ فِي الدِّينِ وَ كَذَا النَّهْيُ عَنِ الْمَكْرُوهَات‏.

مدارا با مؤمنان در امور استحبابی، این را به عنوان اصل تربیتی بیان کرده است. وَ يُزَهِّدُ فِي الدِّينِ یعنی افراد را بی‌رغبت کند در امور دنیایی.

**روایت اول**

حدیث اول این است که:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «**يَا عُمَرُ لَا تَحْمِلُوا عَلَى شِيعَتِنَا وَ ارْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ**».

روایت از عمر بن حنظله نقل شده است، همان این حنظله معروف که مقبوله از وی است؛ او با اینکه توثیق ندارد، به نظر ما معتبر است. طبق این روایت حضرت فرمود:

زیادی، بار بر دوش شیعیان مؤمنان نگذارید زیرا آنچه را شما تحمل می‌کنید، آن‌ها تاب تحمل آن را ندارند. یعنی رعایت توان و ظرفیت آنان را بکنید.

روایات این باب را بیشتر بخوانید و بررسی خواهیم کرد ان‌شاءالله.

1. **. فتح، 29.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏72، ص: 51.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. آل‌عمران، 159.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. حجر: 88.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. فرقان: 63** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. شعراء: 215** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج‏72 ؛ ص51** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. آل‌عمران، 159** [↑](#footnote-ref-8)
9. **. وسائل الشيعة، ج‏16، ص: 159** [↑](#footnote-ref-9)